

پیوسته بگذشته

ترجمه محترم محمد صدیق خان طرزی

بخت تاریخی افغانستان

فصل ششم

بعد از مدت زیادی که اسکندر بشرق حمله کرد بک شعاع و ضیا جدید در انست
بوجود آمد ولی افسوس که یک وضعیت تاریخی آن زمان بوجه احسن به عصر ما نرسیده
است که از آن بطور مفصل تذکار می شد. صرف چیزی که نسبت باین واقعات از
سترابون، بوستن، کورسی، روفو و پلو تورخا برای ما معلومات باقی مانده است
(آنهم گرچه مکمل گفته نمی شود) باز هم بسوق دادن معلومات آن زمان خدمت
کرده میتواند (آتیاً بتحت تخریرات آری آن (قرن دوم) بسوقیات اسکندر در
هند و سمان و بخت تاریخی شرق از قرن چهارم معلومات میدهد ارقام میگردد:
در سنه ۳۳۰ و قتیکه اسکندر را شروع بتصرف نمودن شرق مینماید راه های را
که در نقشه حرکت آن ارائه شده است تعقیب نموده در ظرف یک سال آریه،
دارنگی آن اراهوزی و کابلستان را تصرف نمود. سپس از راه کونک خاوک بسمت
شمال هند و کش گذر کرده دو سال خود را به قبضه کردن باکتریه و سغدانیه صرف
میدارد. در سنه ۳۳۷ بحدود کابل آمده از اینجا ترتیبات لازمه را برای حمله
کابل اتخاذ میکند.

وضعیت ولایات شرقی در زمان سفر حرب اسکندر قدری معلومات داده می شود.
آریه نظر به تقسیمات مملکتی خود درین زمان نسبت بزمان دارای کبیر خیلی وسیع

گردیده این ولایت که شده اسکندر آن را تعیین کرده است و بنام ولایت «سالی بارزان» قبلاً یاد میگردد. حکومت ما رگی آن و درنگی آن را نیز اداره میکرد چنانچه بعد از فوت اسکندرسه ولایت فوق الذکر از طرف حاکم آن که کپرادت ساسانر بود، اداره می شد ساکنین آریه طوعاً به اسکندر تابع گردید اما بعد از چندی دو دفعه شورش کردند بدان واسطه اسکندر مجبور گردید که برای پایدار ساختن اقتدار خود ترتیبات لازمه اتخاذ کند همان بود که موهی الیه یکموضع مستحکم را بنام خود آریه اسکندر بنا و تاسیس نمود. راجع باین شهر بعضی از مؤلفین معلومات لازمه میدهند.

حسب نظر به «توما شیک» آنرا کنون عبارت از همین دیوار حلقه هرات است که از اسکندر به پایانتر شهر واقع است. اسکندر شهر جدیدی را یکی خود را که تاسیس نمود بر بنوجه کنترول تمام راه های تاریخی را که خطوط آن به هرات میرسید درست گرفت.

اسکندر در «درانگی آن» طوائف گریکی را جا داده مرکز حکومت را که به (پروفنهایسیا) بود تاسیس نمود یکی از مراکز مهم راه هائیکه از آریه به هندوستان تمتد بود بشمار میرفت. ارا هوزی که دارای صمیمه هیدروزیا (یعنی شمال بلوچستان و مکران) بود بدون زحمت فوق العاده تحت اقتدار اسکندر آمد بعد از چندی اسکندر در «اراهوزی» شهری را بنام اسکندر اری هونان آباد و تعمیر کرد. این شهر در جای حالیه شهر قندهار موجود بود که در عرض راه ایران و هندوستان واقع است. خیلی متأسف هستیم که راجع بشهر هائیکه اسکندر در «هیدروزیا» یعنی در اطراف کنار بحر اعرا بیه (مکران) تعمیر نموده است معلومات کافی بدست نداریم صرف اینقدر گفته میشود که عوض قصبه اوربتا «هفتون» تاسیس شده است علاوه بران مقامات «نی آرا» و غیره جاها را اسکندر در مقابل نهر «اریس» تاسیس کرده

اضافه بران معلوماتی بدست نیامد (۱) آن حصص «هیدوزبا» که بسمت بحر و قوع داشت برای اسکندر خیلی ذیقیمت بود چرا که راه بحری هندوستان بشمار میرفت. بعد از ولایت «اراهوزی» دره کابل به تحت اقتدار اسکندر می درآید. اقوام این دره از گبدری ها و آریانی ها و اقوام هندی بودند این منطقه در عرض راه سطح اوکوس (دریای آمو) و غربی ایران که بهندوستان منتهی است بوده در اینجا فکر مستعلاکه اسکندر خیلی بمشکلات بر می خورد چنانچه منطقه استناد را بنام قفقاز اسکندر تا سیس می نماید. تعیین موضع این منطقه مورد اختلاف تاریخ دانان واقع گردیده اکثر از مورخین؛ موقعیت این شهر را یکی از شهرهای که داخل شهر کابل میگردید یعنی (غور بند و پنجشیر) قدر دورتر از شمال چهار بیکار (۲) خیال می کنند علاوه بر آن، چند جاهای دیگر مثل آنکاید در (شمال شهر بهرام) و کرناته و (تراکونیز) و کادروزبه و آستر و زبه و غیره که تقریباً بمسافت یک شبانه روز از همدیگر دور بودند برای معیشت گریکها تا سیس شده:

اسکندر تنها در باکتریه و سفدانیه بمقابل مقاومت بزرگی دچار گردیده برای رفع آن تا مدت دو سال مشغول ترتیبات بوده بالاخره بمبارزه شدیدی اقدام کرد. راجع به سفدانیه از طرف مورخین آریه و غیره معلومات کافی موجود نیست ولی اینقدر گمان کرده میتوانیم که در بن زمان اسکندریه داخل سلطنت باکتریه بود. مقاومت لازمه که اسکندر در برین مملکت محسوس نمود در حصص اوکوس و «بکرت» زیاده تر بود چرا که در برین حصص شورشیان باکتریه حیات بسر برده برای نجات

- (۱) بصحیفه ۲۷۲ کتاب اول E.Kbran. و بضمیمه کتاب تاریخ الی ندم جلد سوم صحیفه ۳۳۱ - ۴۴۸ که در تحت عنوان «شهرهای اسکندر و حکام آن» از قلم «در بن» تحریر شده است مراجعت شود.
- (۲) ایتر در کتاب خود قفقازا سکندر را به نزدیکی با میان اما «توما شیک» در حدود پر والو میگوید

مملکت خود یعنی با کتربه داخل اقدامات لازمه میشدند. در بن جا برای اسکندر
دو مسئله مهم قابل حل پیش گردیده بود.
اولاً مدافعه سلطنت از حملات مردم کوچی سکیفی و ماساگیتی ها و غیره.
ثانیاً دفع و خاموش نمودن شورش سفدانیه و با کتربه و غیره.

سفدانیه آن زمان عبارت بود از سه حصه: طرف جنوب، خاک بخارا، طرف شمال
بحر ای یا کسرت (سیردریا) و وسط آن اطراف نهر زرافشان! (دیگر سفدانیه ایران
که سفدانیه گریکی هاست، بنام «پاتمیت» خوانده می شد) (※) منطقه طبیعی
اطراف «زرافشان» با شهر عمده آن «مارکند» (بطرف شمال سمرقند حالیه) واقع
بوده و تعمیر کردنش مخصوصاً برای دفاع از حملات کوچی شناخته میشد.

حقیقتاً اگر ما به نقشه این موضع بنگریم معلوم می شود که شمال و جنوب منطقه
سفدانیه را سلسله جبال قوی احاطه کرده است و در بن حصص، خصوصاً آن نقطه که
«خوجنت» واقع است نهر یکسرت بطرف شمال بحیره اورال بیک دور ناقص منحرف
می شود. شمال غربی دره «زرافشان» از طرف دشت های خالی طرف مقاومت را ایجاد
نمینماید.

چون در حصص پاتمیت یکسرت بیک قصبه مردم کوچی که در زمان قدیم بنام سفیدک
موسوم بود وجود داشت پس از اینجا میتوانیم استنباط کرد که در زمان کبرادر بن حصص (کبرا
پولیس) بی سبب تعمیر نکردند. بود چنانچه حکومت ایران آن زمان، همیشه سعی
میکرد که سفدانیه را از حمله های طرف دشت خاطر جمع بسازد. بدان لحاظ در بن
حصص قلعه های زیاد و مستحکم را آباد کرده بودند. اسکندر هم که از طرف اهلای
«سکیف ها» صدمه دید بغرض رفع آن بیک شهر در انجانب نام خود (اسکندر به ازهیت)
تاسیس و آنرا تعمیر نمود گمان میرود که این شهر قدیم در جای «شیخ جنید» حالیه

(※) بکتابهای بارتلد «ترکستان در دوره تصرفات مغل» و تاریخ ترکستان
راجع باین مسئله معلومات مفصل موجود است.

تعمیر گردید. یکی از نقاط مهم سوق الجیشی آن زمان بشمار میرفت. حقیقتاً برای اسکندر رفع کردن شورش های متعدد (سغد و باکتریه) يك معامی مشکل بود چرا اهالی (سکیف) و (ماساگیت) و غیره همیشه باعث تولید همین فشار بودند. . . .

اجرا کننده این شورش ها و باعث نشو و نماي این سرزمین ' طائفة زارع و اشراف این اقوام که به اصول فیودالیزم حیات بسرمی بردند ' بود. اسکندر مجبور گردید که قلعه های خود را درین حصص تقویت نموده و سر کرده های اقوام فیودال آن زمان را قوی ساخته برای مجلس فیودالی دعوت نماید. این سر کرده های فیودالی در این حال قلعه های خود را تقویت نموده مستحکم می ساختند درین عصر کار زراعت خیلی شهرت داشته تمام مملکت را اقوام زارع احاطه کرده بودند.

بارتلد را جمع بوضعیت تصنیفات ترکستان در قرن هفتم معلومات مفصل داده میگوید که صاحب زمین آن زمان سردار های کوچك آن عصر بوده دهاقین در تحت ایشان بطور خادم کار میکردند. همچنین بارتلد را جمع بساختن و وضعیت عمومی ترکستان در دوره اسکندر از قرن چهارم معلومات کامل میدهد.

چون اسکندر در بد که وضعیت شورش پسندی و حزب و دوستی اهالی سغدانیه و باکتریه از زمان اولین دوره اخامنی ها شروع گردید اینها دائماً بهمین کار رغبت و مشغولیت دارند بنابراین مومی الیه مجبور گردید که درین سرزمین سیاست مستملکة خود را ترقی بدهد. بهمان اساس اسکندر در سغدانیه و باکتریه به آنقدر شهر های بزرگی را تاسیس و تعمیر نموده است که در شرق ایران همچنان تعمیر و تاسیس نکرده بود. راجع به تعداد شهر های این سرزمین (سترابون) میگوید که هشت شهر اسکندر در اینجا تعمیر نموده اما (پوستین) آنرا به دوازده شهر معرفی میکند. دیگر ولفین اظهار میدارند که بجز از شهر اسکندر به اقصی اسکندر به اوکی سیان يك اسکندر به دیگر هم با چند شهر در باکتریه وجود داشت که حدود و وضعیت آنها را تعیین کرده نمیتوانیم اما به یقین کامل



سکه طلای دور هخامنشی



مهر سلندری عهد هخامنشی متعلق شماره ۲ سال ۵ آئینه
(در موزه لندن)



شپڙو ښکاري ځاي علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني

گفته میشود که در پایتخت تاریخی باکتریه که «زر اسپ» نامیده میشد در بن زمان اهالی گریکی و مقدونیه جاداده میشد.

افسوس است که امروزه اسناد لازمه اجراآت مستملکه سکندر برای ما مکشوف نیست از بعضی اسناد معلوم میشود که وضعیت مستملکه سکندر آنچنان قوی و شدید بود که چون آواز مرگ مومی الیه در باکتریه سمع گردید اقوامیکه در بن خاک مستملکه نما از طرف اسکندر بطور يك اوردوی مکمل بتعداد (۲۰۰۰۰) پیاده و (۳۰۰۰) سوار جاداده شده بود.

نا تمام



ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ضرب المثل - زبان سرخ سر سبز میبلهد این باقوم انسانی

• آزموده را نباید آزمود

• توانگری بهتر است نه بمال - بزرگی بعقل است نه بسال

• نام بلند به ازبام بلند